

فروپاشی جمهوری اسلامی در مراحل مختلف؟
فرانسیس فوکویاما و رابرت آی. روتبرگ سلام می‌رسانند.
هنوز هم – شگفت‌انگیز است – واژگانی همچون «فروپاشی» (collapse) «جمهوری اسلامی و نهادهای آن واکنش‌های تند و حساسیت‌برانگیز ایجاد می‌کند؛ در محافل سیاسی و دوستانه، شنیدن چنین اصطلاحاتی ضربان قلب بسیاری را بالا می‌برد. اما هر کس بخواهد، می‌تواند ببیند که سال‌ها – شاید دهه‌هاست – فرایندهای فروپاشی در حوزه‌های اساسی جامعه ایران به‌طور آهسته اما پیوسته در جریان است. این فرایندها انفجاری نیستند، بلکه فرسایشی‌اند. آیا می‌خواهیم همچنان این واقعیت را نادیده بگیریم؟ یا وقت آن نرسیده که از «اسب مرده» پیاده شویم؟

روتبرگ و فوکویاما چه می‌گویند؟
در بحث «دولت‌های در حال فروپاشی» (failing states) «پژوهشگرانی همچون رابرت آی. روتبرگ و فرانسیس فوکویاما عموماً دو مرحله را از هم متمایز می‌کنند

1. فروپاشی تدریجی – (Gradual Collapse) فرایند فرسایشی و ساختاری از زوال
2. فروپاشی ناگهانی – (Sudden Collapse) سقوط سریع و دفعی پس از رسیدن به یک نقطه غیرقابل بازگشت

یک دولت زمانی «شکست‌خورده» تلقی می‌شود که دیگر نتواند کارکردهای اساسی خود را به‌طور قابل اتکا انجام دهد: امنیت، خدمات عمومی (مانند تأمین انرژی، بهداشت، اداره امور)، پایه‌های اقتصادی و حاکمیت قانون. اغلب این شرایط همراه است با: رکود و سقوط اقتصادی، بحران مشروعیت، دستگاه قضایی سیاسی‌شده، گسترش بی‌عدالتی، خودکامگی و محدودیت‌های فزاینده آزادی.

این نشانه‌ها در زندگی روزمره ایرانیان به‌وضوح قابل لمس، مشاهده و سنجش‌اند. همان‌طور که اینگبورگ باخمن، نویسنده اتریشی، به‌درستی گفته است «حقیقت این است که حقیقت همیشه به مذاق ما خوش نمی‌آید».

مرحله اول: فروپاشی تدریجی – زوال آرام
فرایند فرسایشی زوال نهادها در ایران در ابعاد گوناگون خود را نشان می‌دهد
فساد ساختاری و از بین رفتن اعتماد،

- فروپاشی بخشی از اقتصاد و ناکارآمدی صنایع کلیدی،
- تورم مزمن و کاهش شدید قدرت خرید،
- افزایش فقر و شکاف‌های اجتماعی،
- تخریب گسترده سرمایه اجتماعی،
- بحران‌های مزمن زیست‌محیطی و اقلیمی (آب، تخریب محیط‌زیست)،
- کمبود مکرر گاز و برق برای صنعت و خانوارها،
- سیاست خارجی و امنیتی شکست‌خورده یا تنش‌زا به‌ویژه در منطقه،
- تحریم‌ها و انزوای بین‌المللی،
- نهادهای سیاسی که دیگر قادر به انطباق با واقعیت‌های اجتماعی نیستند

جمهوری اسلامی بدون تردید در مرحله‌ای تشدیدشونده از «فروپاشی تدریجی» قرار دارد
حمله اسرائیل – و به‌دنبال آن اقدامات آمریکا – ممکن است (فارغ از هرگونه ارزیابی اخلاقی) همچون شوکی خارجی عمل کند که این روند فرسایشی را سرعت می‌بخشد. به باور من، این فشار بیرونی شکاف‌های درونی را عمیق‌تر کرده و می‌تواند محرکی برای گذار – امیدوارانه مسالمت‌آمیز – به یک نظم سیاسی دیگر باشد..

نشانه‌های این وضعیت

- مطالبات علنی و مشخص برای تغییر بنیادین ساختار قدرت،
- خروج سپاه پاسداران از حوزه‌های اقتصادی،
- برگزاری همپرسی با نظارت بین‌المللی،
- آزادی زندانیان سیاسی، و غیره

بعید نیست که به‌زودی برخی از بانیان این فراخوان‌ها صریح‌تر به اعتراضات عمومی فرا بخوانند تا به مطالبات خود مشروعیت و وزن بیشتری بدهند. این همان دینامیکی است که در جوامعی که سال‌ها تحت «فروپاشی تدریجی» بوده‌اند، رخ می‌دهد.

مرحله دوم: فروپاشی ناگهانی – سقوط دفعی
از «فروپاشی ناگهانی» زمانی سخن گفته می‌شود که یک دولت، تضعیف‌شده از سال‌ها فرسایش، با یک شوک سریع (مرگ رهبر، جنگ، فاجعه طبیعی بزرگ، کودتا، سقوط مالی) به‌طور دفعی فرو می‌پاشد.

- نهادهای حکومتی از هم می‌پاشند
- انحصار قدرت و زور فرو می‌ریزد
- خلأ قدرت میدان را برای درگیری جناح‌ها، شبه‌نظامیان و تجزیه کنترل سرزمینی باز می‌کند

حکومت‌های اقتدارگرا، که ثباتشان به یک فرد (خامنه‌ای؟) یا حلقه‌ای محدود از نخبگان وابسته است، به‌ویژه آسیب‌پذیرند. کشوری مانند ایران، که سال‌هاست در چرخه «فروپاشی تدریجی» فرسوده شده، می‌تواند با یک عامل ناگهانی، دچار انفجار یا فروپاشی کامل شود.

زمان دقیق یک «فروپاشی ناگهانی» قابل پیش‌بینی نیست.

اما نقطه عبور از «مرحله بازگشت‌ناپذیر» غالباً تنها در نگاه به گذشته قابل شناسایی است.